

مقالات تحلیلی چندی به ارتباط اوضاع کنونی افغانستان توسط نویسندگان چپ اندیش ریالیست در وبسایت های انتی وار، گلوبال ریسرچ، کونترپانچ انفارمیشن کلیرنگ هوزکار تا ریخ «2021-07-27» با ترجمه از متن انگلیسی به متن دری توسط اینجانب پوهندوی دوکتور سیدحسام مل»

نویسنده : جاکوب جی هارنبرگر (Jacob G. Hornberger)

منبع و تاریخ نشر : انتی وار «2021-07-27»

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام مل»

درسهای اشتباه آمیز از شکست
مفتضحانه در افغانستان

**Wrong lessons from the Afghanistan
debacle and defeat**



متأسفانه، اما شگفت‌آور نیست که مداخله‌گران درس واقعی شکست خود را در افغانستان نمی‌آموزند؟ بلکه آنها در عوض انواع و اقسام دلایل را مطرح میکنند که چرا دخالت آنها در افغانستان به این نتیجه بزرگتر تبدیل شده است. آنها می‌گویند که یاد گرفته‌اند که چگونه با مداخلاتشان در آینده بهتر عمل کنند.

یکی از درس‌های مورد علاقه آنها از این شکست مفتضحانه در عبارت « جنگ‌های ابدی» آمده است؛ اکنون برخی مداخله‌جویان می‌گویند: آنچه که باید انجام می‌شد فقط با یک حمله برق‌آسا «اسامه بن لادن» و سایر اعضای القاعده دستگیر و سر به نیست می‌شدند و به سرعت رژیم طالبان را برکنار نموده و جایگزین آنها از حامیان ایالات متحده براریکه قدرت آورده می‌شد. سپس نیروهای آمریکایی سریعاً از افغانستان خارج می‌شدند و به این ترتیب از «جنگ ابدی» و یا جنگ دوامدار خودداری می‌شد. چیزی را که این مداخله‌گرها متوجه نمی‌شوند این است که آن واقعاً همان است که رییس‌جمهور جورج دبلیو بوش می‌خواست آنرا انجام دهد یا که او متقاعد شده بود از اینکه نیروهای نظامی ایالات متحده مأموریت خود را انجام داده‌اند (به جز از اسارت و کشتن اسامه بن لادن) - بوش به سرعت نگاه خود را به سمت عراق معطوف کرد؛ جایی که قصد داشت کاری را که پدرش در مداخله خلیج فارس انجام نداده بود انجام دهد «صدام حسین» را از قدرت برکنار و طرفدار یا حامی ایالات متحده را جایگزین رژیم وی نمود.

حال تصور کنیم که بوش آن چیزی را که مداخله‌جویان اکنون به دفاع او هستند انجام داده است یعنی یک مداخله سریع در داخل را از خارج افغانستان آغاز کرد پس آیا طالبان به سرعت به حمله علیه رژیم دست نشانده که توسط آمریکا در افغانستان مستقر شده است نمی‌پرداختند؟ اگر طالبان دوباره قدرت را بدست می‌گرفتند پس این مداخله چه اهمیتی می‌داشت؟ بویژه با توجه به اینکه در بیرون راندن «اسامه بن لادن» موفق نشده بود؟ تمام دلایلی که نیروهای آمریکایی مجبور بودند که در افغانستان بمانند و این جنگ را تبدیل به «جنگ ابدی یا همیشگی» کنند این بود که طالبان نتوانند رژیم برسر اقتدار را تغییر دهند یا رژیمی را که مداخله‌گران بوجود آورده بودند.

درس دیگری را که مداخله‌جویان می‌گویند که آموخته‌اند اینست که از این به پس مداخلات باید تنها زمانی صورت گیرد که به نفع منافع ملی ما باشد.

اما با توجه به اینکه در اینجا رییس‌جمهور؛ پنتاگون؛ و سازمان «سی‌آی‌ای» هستند و یاکه وجود دارند که در مورد منافع ما تصمیم می‌گیرند پس در واقعیت امر این به هیچ وجه درس واقعی نیست که آنها آموخته‌اند. وقتی که بوش؛ پنتاگون و سازمان سیا به افغانستان تجاوز کند و بعداً تصمیم گیرد که به عراق تهاجم کند به این نتیجه رسیدند که انجام این کار به نفع «منافع ملی ما» است.

تعجب‌آور نیست که برخی مداخله‌جویان می‌خواهند نیروهای آمریکایی در افغانستان باقی بمانند چونکه آنها با در نظر داشت تا مین منافع آمریکا نمیتوانند چشم‌انداز یک شکست دیگر مانند شکست پنتاگون و سیا همسان و بینام را تحمل کنند. آنها می‌خواهند

این «جنگ ابدی» واقعی باشد البته نه تنها برای حفظ رژیم دست نشانده افغانستان در قدرت؛ مهم نیست که این رژیم هر قدر کج رو و فاسد هم باشد. بلکه همچنین به این دلیل است که ایالات متحده با شکست دیگر چهره خود را از دست ندهد و آنهم شبیه به ویتنام.

البته این جنگجویان و یا جنگ طلبان نشسته روی صندلی؛ کسانی نیستند که به آنها دستور میدهند برای رسیدن به این اهداف ننگین کشته شوند و یا که بمیرند بلکه این سربازان آمریکایی هستند و یا که باید باشند که انتظار می رود برای هیچ چیز مردم را بکشند و بمیرند وقتی قرار است که جان سربازان آمریکایی را برای اهداف بی ارزش قربانی کنند این جنگجویان صندلی نشین همه بسیار شجاع و سوار بر اسب سرکش هستند.

این مداخله کنندگان طرفدار جنگ برای همیشه دلیل دیگری را برای باقی ماندن دائمی نیروهای آمریکایی در افغانستان که تذکر میدهند اینست که آنها میگویند که اگر طالبان قدرت را دوباره بدست آورند و یا بر افغانستان حاکم شوند این کشور را دوباره به پناهگاه تروریست های ضد آمریکایی تبدیل خواهند کرد.

اما این مداخله کنندگان طرفدار «جنگ همیشگی» درس واقعی از شکست مفتضح و شکست در افغانستان را برای خود نادیده میگیرند یعنی که گویا آنها در جنگ افغانستان شکست نخورده اند.

این درس اینست که این تداخل، مداخله خارجی بود که در وهله اول باعث ایجاد تروریسم ضد آمریکایی شد؛ این دخالت آمریکایی قبل از حملات «11» سپتامبر بود که موجب حملات تروریستی «11» سپتامبر شد و در مورد این موضوع مداخله گرایی ایالات متحده بود که باعث حملات تروریستی قبل از «11» سپتامبر شد مانند حمله سال «1993» به مرکز تجاری جهانی و حمله به (USS Cole) «به ناوشکن موشکی هدایت شونده نیروی دریایی ایالات متحده» آمریکا.

به عبارت دیگر درس واقعی که باید در شکست مفتضح و شکست در جنگ افغانستان آموخت شکست مداخله گرایی است؛ این چیزی است که مداخله گرها به آن نمی رسند مشکل مداخله گری و احمقانه یا حماقت نیست بلکه این خود مداخله گری است که مشکل دارد؛ دیگر مداخله گرایی به مفهوم تروریسم ضد آمریکایی نخواهد بود و بنا بر این دیگر نیازی به مداخله گرایی بیشتر برای مقابله با تروریسم ضد آمریکایی نخواهد بود

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله:

cob George Hornberger (متولد 1 ژانویه 1950) وکیل، نویسنده و

سیاستمدار آمریکایی است که در سالهای 2000 و 2020 نامزد آزادیخواهان

برای ریاست جمهوری بود. او بنیانگذار و رئیس بنیاد آینده آزادی است [1].

----- با تقدیم احترامات .

=====

نویسنده : میلیبن گودمن «Melvin Goodman» .

منبع و تاریخ نشر : کونتر پانچ «2021-08-02» .

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

واشنگتن پست افغانستان را رها نمیکند

the Washington post won't let go of Afghanistan

پس از «20» سال بیهودگی و شکست ، مخالفان رییس جمهور یعنی مخالفان **جو بایدن** ؛ **بایدن** را از اینکه این جنگ را که قرار بود ایالات متحده در سال «2002» به پایان میرساند هدف قرار میدهند و یا که او را نکوهش میکنند . از اینکه ایالات متحده در حدود زندگی «2400» سرباز مرد وزن خود را از دست داد و در حدود بیش از تقریباً دوتریلیون دلار در این صرف کرد چیزی نمیگویند و یا که با در نظر داشت این واقعیت که بیش از (800000) مردوزن در افغانستان مصروف در این وظیفه احمقانه خدمت کرده اند به ارده و خوش خود شان هرگز نبوده و تقریباً به فیصدی قابل توجهی این سربازان آمریکایی پنج بار و یا مراتب بخاطر سهمگیری در این جنگ به افغانستان سفر کرده و یا که از طرف مقامات مسول آمریکایی به افغانستان فرستاده شده اند که اکثر آنها کنون در قید حیات نیستند ؛ روسای جمهور و وزیران دفاع ایالات متحده در قمار زنی با « دولت روسیه» با زندگی از رزمندگان جوان خود بازی کرده و یا که بازی میکنند جوانانی که مستحق زندگی بهتری بودند که سر به نیست شدند . در همین حال



تلفات غیر نظامیان در افغانستان در ماه های «مه و جون» به بالاترین حد و میزان خود رسید و تقریباً نیمی از تلفات غیر نظامیان رازنان و کودکان تشکیل

دادند. نیروهای هوایی افغانستان در این مدت زمان بیشتر از دوبرابر از نیمه اول سال (2020) مردم را کشته و یا مجروح ساخته است؛ طی یک دوره پنج ماهه در افغانستان نزدیک به «90» درصد از افرادی که توسط هواپیماهای بدون سرنشین ایالات متحده کشته شده اند؛ اهداف مورد نظر نبودند یعنی که دشمن نبودند؛ کسی که این اطلاع را در ارتباط جمعی یا رسانه‌های افشا کرد دیوید هیل (David Hale) بود که به نسبت این افشاگری برای مدت (45) ماه زندانی شد حال آنکه وزارت دادگستری «بایدن» به دنبال محکومیت این شخص برای مدت «9» سال بود یعنی میخواست که این شخص را برای مدت «9» سال در قید و بند داشته باشد.

منتقدان به این باور اند که این عقب نشینی یا خروج نیروها از افغانستان منطقی نبوده و نیست. آنها توسط **دیوید اگناتیوس (David Ignatius)** نویسنده امنیت ملی در واشنگتن پست رهبری و یاسوق میشدند که او معمولاً برای جوامع نظامی و اطلاعاتی کار میکند با توجه به واقعیت حیرت انگیز (گزینه های «بایدن» در مورد افغانستان در حال کوچک شدن است) که ایالات متحده تلاش بخرج میدهد که با پایان دادن به این جنگ با یک پای بیرون از دروازه به مذاکره میپردازد که این خود شگفت انگیز است - **اگناتیوس** معتقد است دولت «بایدن» باید هزاران پیمانکاران مارا در این کشور بگذارد تا با ارتش افغانستان در ادامه عملیات ها کمک کنند؛ اما چه کسی و یا چه کسانی باید از این پیمانکاران ایالات متحده در افغانستان حمایت و محافظت کنند؟ با توجه به اینکه آیا ارتش افغانستان از جمله اعضای نخبه کماندو ها که در رویا روی با طالبان بدون کدام دلیل واضح عقب نشینی کردند تصوری وجود دارد؟ از اینکه گویا دولت افغانستان بتواند از عهده این کار بدرشود یعنی که از پیمانکاران محافظت کند؟

اگناتیوس در تعیین «**زلمی خلیلزاد**» فرستاده ویژه آمریکا بعنوان میانجی بین المللی برای تشویق گذار مسالمت آمیز مذاکره بمنظور فراهم آورد صلح بین طالبان و دولت افغانستان اهرمی می بیند؛ آیا این باور کردنی است که دولتی بنام افغانستان وجود دارد؟ آیا دلیلی وجود دارد که طالبان ناگهان با سازش موافقت کنند؟ **اگناتیوس** استدلال میکند: که پاکستان - هند - روسیه - چین و ایران با تصرف افغانستان از راه نظامی توسط طالبان مخالف هستند. از اینکه طالبان بتوانند اجماع منطقه ای برای ثبات ایجاد کنند. هیچ اجماع منطقه ای نمیتواند طالبان را از هدف شان منصرف ساخت اما در هر صورت دو دهه

است که پاکستان از بازگشت طالبان به کابل از آنها حمایت میکند - علاوه بر این در «28 و 29» ماه جولای مقامات چینی جلسات برجسته ای با هیئت طالبان برگزار کردند «وانگ ای» وزیر خارجه چین طالبان را «نیروی محوری نظامی آسیای شرقی» توصیف کرد .

اگناتیوس استدلال میکند که ایالات متحده باید از «اشرف غنی» رییس جمهور افغانستان بخواهد شورای رهبری ضد طالبان را که شامل همه نیروهای اصلی از سراسر کشور باشند ایجاد کند؛ متأسفانه گروه های نشسته «درخیمه بزرگ» بقول اگناتیوس با غنی مخالف اند و به این باور نیستند که ایالات متحده آمریکا (زردک و چوب) بدست دارد نه زردک؟! چوب؟! از سوی دیگر طالبان پشتون های اند که در افغانستان گروه قومی بزرگ را تشکیل میدهند که هرگونه اهرم های خارجی را محدود میکنند پس چه رسد به آمریکا که آنرا نیز محدود نکنند؟

سرانجام **اگناتیوس** هشدار میدهد که اگر در افغانستان (فاجعه ای بدون عراده و یا چرخ آزادانه دور بخورد یا که اگر در نظر مجسم شود) دستاورد های ما در نبرد مبنی بر نفوذ روسیه و چین از بین برود چه عواقبی خواهد داشت؟ **اگناتیوس** بمانمیگوید که دلیل عدم وجود این دستاورد ها چیست (دستاوردهای ما آنرا نمی بینیم) همین استدلال در مورد ویتنام (50) سال پیش بزور مردم کشیده میشد یا که مورد استفاده قرار میگرفت اما ایالات متحده در پی خروج ما روابط خود را با مسکو و پکن بهبود بخشید و در پی عقب نشینی نیروهای آمریکایی که دو مینوو «ماسک» سقوط نکرد . البته **اگناتیوس** در انتقاد از تصمیم «بایدن» مبنی بر خروج نیروها آمریکایی از این جنگ طولانی و غیر قابل شکست تنها نیست . ویلهایم برنس (William Burns) رییس سازمان سیا «سی آی ای» با شهادت دادن به کمیته های اطلاعاتی آب ها را گل آلود کرد که جمع اوری اطلاعات در افغانستان بدون حضور نظامی دشوارتر خواهد بود اما ابزار های فنی جمع اوری اطلاعات و اخبار را از معبر ویا از طریق رابطه خارجی میتواند بدست آرد یا که آنرا کاپی کند ؛ روی هم رفته در اینجا چندین جنرال های آمریکایی هشدار میدهند که در پی خروج نیروها از افغانستان ممکن است که جنگ داخلی که در سال (1973) با کودتا علیه پادشاه «ظاهرشاه» آغاز شد جنگی که تقریباً نیم قرن است که بطور متناوب بیداد میکند .

سفرای سابق ایالات متحده در افغانستان اعم از راین کروکر (Ryan)

(Croker) ورونالد نیومن (Ronald Neumann) سرمقاله های در واشنگتن پست نوشته اند که از تصمیم «بایدن» مبنی بر خروج نیروها از افغانستان انتقاد بعمل آورده اند؛ نیومن معتقد است که فناوری (یک ضرب کننده عظیم جنگی است) و خروج نیروها و تکنیشن های آمریکایی این مزیت را بخاطر می اندازد، خوب، شورش ها با فناوری پیروز نمی شود (به داستان جنگ ویتنام مراجعه کنید) از اینکه شورشیان در قرار گرفتن به پناهگاه های خود تقریباً شکست ناپذیر هستند (دوباره داستان جنگ ویتنام را مرور کنید) حد اقل ایالات متحده هرگز هیچ یکی شکست نداده است. کروگر یکی از همکاران سابق در کالج جنگ بگونه غیر منصفانه از «بایدن» به دلیل شکست در «ایمان» و تعهدش با افغان ها انتقاد میکند.

در این هفته نیومن دانشجوی سابق من در کالج جنگ ملی (National war college) مجدداً برواشنگتن پست حمله کرد و خواستار اقدامات نمادین از جمله توقف حملات هواپیما های از خارج به افغانستان توسط نیروهای هوایی ایالات متحده شد که این خود باعث افزایش تلفات غیر نظامیان در مناطق شهری و طولانی شدن رنج مردم افغانستان خواهد شد. نیومن به کارایی نیروهای هوایی ایالات متحده که خود یک تناقض نظامی است باورمند است.

سرانجام مکس بوت (Max Boots) مفسر محافظه کار که معمولاً با بکاربرد از زور و قوت آمریکا در واشنگتن پست حمایت میکند؛ تصمیم «بایدن» برای خروج را تندروتر و ایدیولوژیک تر حتی از «ترامپ» میخواند. و آن اینکه هیچ تصمیمی و یا هیچ دلیلی در تصمیم گیری «بایدن» وجود ندارد او پیش از یک دهه قبل رییس جمهور «بارک اوباما» را تشویق کرد که نیروهای آمریکایی را باید از افغانستان فراخواند و در ارتباط محاصره شدن ارتش به «اوباما» هشدار داد اما «اوباما» معتقد بود که افغانستان «جنگ خوبی است» و توصیه «بایدن» را مبنی بر عدم افزایش حضور نیروهای آمریکایی در سال «2009» در افغانستان نادیده گرفت و در مورد چکمه زنی (مهمیز زنی) اشاره او به دولت غرب گرای افغانستان بسیار محکم و سرسخت بود. حد اقل یک انتقاد مشروع از تصمیم تیم امنیت ملی (بایدن) در اینجا وجود دارد و آن عدم تنظیم ویژه ای مهاجران (SIV) برای «18000» مترجم افغان و تکنیشن های افغان. که به ارتش ایالات متحده در زمان اقامت شاندر افغانستان کمک کرده اند. مجلس نمایندگان این فرصت را داشت که تعداد ویژه ها را افزایش دهند

اما موفق به یک فیصله برای صدور ویزه به این افغان ها نشدند همانطور که سفیر آمریکا کروکر اذعاندارد ما میتوانیم و باید که در این راستا بهتر عمل کنیم .

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله :

ملیبن گودمن عضو ارشد سیاست بین المللی و استاد در پوهنتون دولتی جان هاپکینز است او تحلیلگر سابق سازمان سیا ؛ نویسنده کتاب شکست اطلاعات افلوسقوط سیا و نا امنی ملی ؛ هزینه نظامیگری آمریکایی است و یک افشاگر سیا - جدیدترین کتاب او « کشتار آمریکایی » جنگ های دونالد « ترامپ » (انتشارات اوپوس OPUS) است همچنین نویسنده کتاب « دولت امنیت ملی خطرناک » در « 2020 » است با او میتوان در این ادرس تماس برقرار کرد

Counterpunch.org

===== با تقدیم احترامات (2021-08-03) =====

=====

نویسنده : ماکس پاری (Max Parry) .

منبع و تاریخ نشر : گلوبال ریسرچ « 2021-08-04 » .

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

=====

جنگ در افغانستان : جنایت واقعی قرن

در پس بحران تریاک

دوام دارد